

بررسی فعالیتهای نوگرایانه عصر پهلوی اول در منطقه ترکمن صحرا

احمد سردارزاده مجدا^۱، امیر اکبری^{۲*}، رجبعلی وثوقی مطلق^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. ایمیل: Ahmad.sardarzadeh@yahoo.com
- ۲*. استادیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل: Amirakbari84@yahoo.com
۳. استادیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. ایمیل: ra.motlagh@yahoo.com

چکیده :

ترکمن صحرا منطقه ای در غرب استان گلستان است که در ساحل جنوب شرقی دریای خزر و در جلگه ای وسیع بنام جلگه گرگان همجوار با تالاب گمیشان قرار گرفته است. ترکمن صحرا در حال حاضر شامل ۲ شهرستان به نام های بندر ترکمن و گمیشان می باشد .

نام قبلی بندر ترکمن ، بندر شاه که در سال ۱۳۵۸ از نظر تقسیمات سیاسی از زیر مجموعه گرگان خارج شده و به صورت شهرستان مستقلی با همین نام درآمد و گمیشان با مرکزیت گمیش تپه در شمال این صحرا قرار دارد .

سیاست های نوگرایی و تجدد خواهی رضا شاه و به تبع آن عینیت یافتن قانون بلدیه در ترکمن صحرا مانند سایر مناطق کشور همراه با استقرار و احداث بندر و راه آهن و رفت و آمدهای فراوان ناشی از آن ، علاوه بر تغییر ظاهر در حوزه شهرسازی و ایجاد زیرساخت ها ، تغییرات و تحولات عمیق اجتماعی را نیز بنیان نهاده و موجب تغییراتی مشهود در ساختار فرهنگی و سنتی مردمان این دیار گردید که از آن جمله بحث تبدیل مدارس قدیمی به مدارس جدید و تغییر شیوه آموزش بوده است . در این مقاله اقدامات نوگرایانه پهلوی اول و اهداف رضا شاه از این اقدامات که اصلی ترین آن تغییر فرهنگ سنتی و محدود ساختن قوم ترکمن بوده است بررسی می گردد .

کلید واژه : نوگرایی - پهلوی اول - ترکمن صحرا - بلدیه - فرهنگ

مقدمه :

دولت پهلوی اول براساس ایده‌ی نوسازی منطبق با الگوهای غربی، به تغییر شهرها همت گمارد. نوسازی عصر رضاشاه بر پایه‌ی سه رکن جدایی دین از سیاست، ملی‌گرایی و غرب‌گرایی بنا شد. دولت مطلقه‌ی مدرن پهلوی، خواستار اعمال حاکمیت و قدرت دولت مرکزی در سراسر ایران شد، تا هیچ قوم، زبان، و فرهنگی نتواند این حاکمیت را تضعیف کند. مبنای این حاکمیت، یکسان‌سازی قوانین، و اعمال قوانین نیز نیازمند وجود یک دولت ملی بود. یکی از مناطقی که تحت تأثیر انقلاب مشروطیت و پهلوی اول مورد توجه است منطقه ترکمن صحرا است که با توجه به حضور قوم ترکمن مورد دغدغه رضا شاه و حکومت پهلوی اول بوده است.

شهر بندر ترکمن از شهرهای نوپای ساحل دریای خزر می‌باشد. شکل‌گیری و پیدایش آن به اوایل دوره رضا شاه پهلوی بر می‌گردد. لذا عواملی حاکمیتی و مسائل اقتصادی و سیاسی در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است. بندر ترکمن بین دو بندر تجاری گمش تپه و بندر گز قرار گرفته بود. از طرفی در حاشیه شرقی آشوراده که در دوره قاجار به تصرف روس‌ها در آمده و روس‌ها در آنجا پایگاه نظامی و تجاری داشتند و بیشتر فعالیت‌های تجاری با ترکمن‌ها از آشوراده صورت می‌گرفت و همچنین مراتع نیمه‌فقیر آن، توسط دامداران ترکمن در فصولی خاص مورد استفاده قرار می‌گرفت و مدتی به آنجا کوچ می‌کردند.

بنابراین قبل از روی کار آمدن رژیم پهلوی و احداث خط‌آهن از جهاتی مانند دامپروری و تجاری برای ترکمن‌ها اهمیت داشته است و همچنین به مصب رود قره سو نیز نزدیک بود. در دوره قاجار قره سو به علت اهمیت شیلات و صید ماهی تحت انحصار خانواده لیانازف بود. رابینو می‌نویسد: «بندر کوچکی به نام ملا کیله که در سه میلی رودخانه قراسو است و قایق‌های ترکمن‌ها زیاد رفت و آمد دارد».

در مورد وجه تسمیه این شهر که در زمان آغاز عملیات راه‌آهن سراسری هنوز نام و نشانی از بندر ترکمن (بندر شاه سابق) نبود. در سفر رضاشاه در سال ۱۳۰۵ به بندر گز و گمش تپه و منطقه ترکمن صحرا و استرآباد اوضاع کلی منطقه را بررسی نمود. در اسفندماه همان سال مجلس شورای ملی لایحه تأسیس راه‌آهن را از محل وجوه عایدات قند و شکر به تصویب رسید.

خبر آن در روزنامه اطلاعات ۳۰ شهریور ۱۳۰۶ چنین درج گردید. «در اداره راه‌آهن در نظر گرفته است استاسیونی (ایستگاهی) برای راه‌آهن ایجاد نماید. در روز جشن در نقطه سرحدی بندر جز (گز) و مخمره (خرمشهر) عملیات راه‌آهن که شاید بالغ بر ده هزار نفر در دو نقطه استخدام خواهند شد شروع به کار خواهند کرد.»

برحسب تصمیم هیئت دولت اسم بندر جدید که قریباً شروع به ساختن آن خواهد شد. بندر شاه تعیین و به عموم وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و سندیکا ابلاغ گردیده است.

بدین ترتیب بندر ترکمن با خواست و اراده حاکمان سیاسی وقت به‌عنوان بندری جدید در **پایین نامه** راه‌آهن سراسری کشور شکل می‌گیرد. در نخستین سال‌های شکل‌گیری بندر، این شهر به یک شهرک ارتباطی شباهت داشت.

کم کم سیل مهاجرت به این شهر جدید به علت استخدام در ادارات و تأسیسات راه آهن و اسکله و گمرک آغاز شد. بیشتری مهاجرین ابتدا ترک‌ها و مازندرانی‌ها و گیلانی‌ها بودند. سپس ترکمن‌ها نیز بیشتر از روستا به این شهر مهاجرت کردند. گروه دیگری از مهاجرین قزاق‌ها بودند که پس از تحولات سیاسی و اجتماعی شوروی در سال ۱۳۱۱ به ایران مهاجرت کرده بودند. در مناطق ترکمن‌نشین مانند گمش تپه و آرخ، گنبد و چند مکان دیگر ساکن شدند بیشتر به کارهای صنعتی و فنی مشغول شدند.

این شهر در مدت اندک به یک شهر فعال و پر رونق تبدیل شد. عوامل آن عبارتند از وجود راه آهن که ریل تا اسکله کشیده شده بود. هنوز آثار این ریل‌ها به قوت خود باقی است. اسکله کشتی‌ها به بنادر روسیه و باکو و انزلی در حال رفت و آمد بودند شیلات و صید ماهی که یکی از فعال‌ترین سواحل خزر بوده و احداث کارخانجات مختلف در شهر البته این رونق به خصوص از نظر حمل و نقل بندری تا سال ۱۳۳۹ ادامه داشت و بعد از به پایان رفتن آب دریا و کم توجهی مسئولین وقت به رکود گرایید بعد از انقلاب اسلامی نام شهر به بندر ترکمن تغییر یافت و در سال ۱۳۵۸ از نظر تقسیمات سیاسی به شهرستان بندر ترکمن تبدیل شد.

گمیش تپه دیگر شهر ترکمن صحرا در آن زمان بوده است. این شهر در شمالی‌ترین قسمت حاشیه شرقی دریای خزر قرار دارد و از طرف شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به بندر ترکمن، از شرق به آق قلا و از طرف غرب به دریای خزر ختم می‌شود. این شهر با بندر ترکمن حدود ۱۹۰۵ کیلومتر فاصله دارد. منطقه‌ای که گمیش تپه در آن پدید آمده از زمان اشکانیان تا دوران اخیر، تأمین‌کننده بخشی از نیازهای قاره اروپا بوده است؛ و به شواهد برخی از متون تاریخی رودخانه گرگان از طریق گمیش تپه به دریای خزر وارد می‌شده است. مسیر قدیمی گرگانرود در لبه جنوبی تپه «کوره سو» معروف به «کهنه گرگان» و ادامه آن به نام «پرسی آقن» از وسط شهر گذشته و به دریای خزر می‌ریزد. گمیش تپه در اوج شکوفایی جزیره آبسکون، انتهای راه خاکی و آغاز راه آبی جاده ابریشم در قسمت آسیایی بوده است. در این اواخر نیز ناوداران (کشتی‌های چوبی بزرگ بادبانی) با مراده کالای تجاری با دنیای خارج ادامه‌دهندگان راه آبسکونیان بوده‌اند و مردم آن با شهرهای ساحلی شمال کشور از جمله بندر گز، بندر انزلی و از طرف شرق با شهرهای استرآباد و جرجان و در آنسوی مرز با بنادر حسنقلی، چلکن، حاجی طرخان، باکو مراده داشته و داد و ستد می‌کردند. (هنوز آثار خرابه‌های تأسیسات به نام گمرک خانه در ۲ کیلومتری غرب شهر موجود می‌باشد) به‌طور کلی این شهر در تاریخ معاصر ایران نامی آشنا برای مردم ایران و شوروی سابق بوده است. محمد علی قورخانچی صولت نظام به سال ۱۳۲۰ هـ ق در گزارش خود چنین می‌نویسد: طایفه جعفر بای ساکن گمیش تپه از حیث پاکی و تمیزی و ثروت نخستین طایفه یموت است. از حیث میل و لباس خیلی خوبند و همه صبح‌ها خودشان را با صابون‌های معطر شسته و در زمستان‌ها با گالش و پوتین و نیم پالتو راه می‌روند. بازارشان رواجی دارد و همه قسم اقمشه روسی، خرازی و سماور و ظروف حاجی طرخان و قند و چای به فروش می‌رسد؛ و همچنین در سفرنامه رضاخان در سال ۱۳۰۵ به مازندران راجع به این شهر می‌نویسد. میان اهالی گدایی و سؤال عیب است. در این قریه هیچ گدایی دیده نمی‌شود.

قبل از شکل‌گیری گمیش تپه به شکل امروزی حداقل سه اثر مهم که قدمت آن‌ها به قبل از اسلام می‌رسند در نزدیکی آن شهر وجود دارند که در به‌وجود آمدن شهر مخصوصاً دیوار دفاعی بی تأثیر نبوده‌اند.

به‌طور کلی بررسی سوابق بیانگر این حقیقت است که منبع دقیق و منسجمی در این خصوص در منطقه مذکور و بازه زمانی مربوطه وجود ندارد اما درعین حال اطلاعات به‌دست آمده از منابع از آنجا که گروهی از نویسندگان آن‌ها، هم‌عصر مشروطه بوده و در بعضی موارد صحنه‌ها را از نزدیک دیده‌اند، جالب است. بیشترین اطلاعات از کتاب «مخبرات استرآباد» به‌دست آمده که گزارشگر آن تمام وقایع ریز و درشت منطقه را ثبت کرده است. در بعضی از مآخذ دیگر نیز، درهم آمیختگی اطلاعات، کپی‌برداری از یکدیگر، که گاه بدون ذکر منابع می‌باشد، تحلیل نکردن درست وقایع به جز در مواردی، و حتی آگاهی‌های نادرست که خواننده با مقایسه مطالب با منابع اصلی و معتبر، آن‌ها را در می‌یابد، فراوان است.

این پژوهش می‌تواند فراتر از مطالعات کتابخانه‌ای به شناخت بیشتر ابعاد فعالیت اجتماعی کمک کند. توضیح این‌که بخشی از اطلاعات این تحقیق به‌صورت میدانی انجام می‌گیرد و این شیوه پژوهش از نوآوری‌های این تحقیق محسوب می‌شود. درواقع گردآوری و تحلیل اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی و نیز با روش پیمایشی صورت می‌گیرد.

به‌طور کلی سعی بر آن است که فعالیت‌های نوگرایانه پهلوی اول در منطقه ترکمن صحرا در حوزه‌های عمرانی و شهرسازی و فرهنگی و اهداف اصلی رضا شاه از انجام این اقدامات بررسی گردد.

ترکمن‌ها از جریان مشروطیت تا دوره پهلوی :

در جریان مشروطه ترکمن نیز مانند سایر قسمت‌های ایران دو فرقه شدند. گروهی از طرفداران مشروطیت حمایت می‌کردند و گروهی دیگر در صدد سرکوب آن برآمدند. مطلب زیر گزارشی است که وضع ترکمن‌ها را در قبال مشروطه نشان می‌دهد. «در این دوران در استرآباد در اثر سخنرانی در مساجد و مناظر بر علیه مستبدین برخی اهالی به هیجان آمده قصد ریختن به دیوانخانه را داشتند حاکم استرآباد مضطرب شده کارگزار و لشکر نویسن را نزد محمدحسین استرآبادی مقصودلو رئیس انجمن مشروطه‌طلبان فرستاد. رحیم خان مقصودلو یکی دیگر از رهبران مشروطه طلب استرآباد هم ۱۵۰ ترکمان یلقی و آتابای (طوایف ترکمن) را برای کمک به مشروطه‌طلبان فرستاد». محمدعلی شاه قاجار پس از برکناری از سلطنت در صدد گرفتن دوبار قدرت بر آمد وی از خاک روسیه در سال ۱۳۲۹ هـ.ق به‌همراه کشتی که پر از صندوق‌های بزرگ بار با برچسب آب معدنی که درواقع مملو از مهمات بود وارد وارد گمش تپه نزدیک استرآباد شد (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۴۱۹). تا ترکمن‌های منطقه را برای حمله به تهران بسیج

کند. جریان آمدن محمدعلی شاه به گمش تپه و خواجه نفس را مرحوم سیدرضا عرفانی شاعر و ادیب گرگانی به نظم در آورده و چند بیتی از آن چنین است.

ندارم چاره جز داستان	ز کردار شاهنشاه راستان
محمدعلی خسروجم جزم	سکندر وقار و سلیمان حشم
چه در عزم موروثی جدوباب	نمودی زر وسیه پا در رکاب
برون آمد از آب و بگداشت پای	به خواجه نفس منزل شوخ بای
بفرمود تا سران یموت	به فرمان حی الذی لایموت
بگیرند سرباز چابک سوار	گروهی پیاده گروهی سوار

هنگام حمله محمدعلی شاه به تهران وزراء طهران از همراهی روس‌ها با شاه ترسیدند و مقاصد روس‌ها را در بعضی تکالیف‌شان آن‌ها به ایران را قبول کردند و اولتیماتوم روس با ایران بسته شد به شرطی که روس‌ها محمدعلی شاه را از آمدن به ایران مانع شوند لذا قنصل روس در استرآباد نزد محمدعلی شاه آمد (بعد از شکست او در حمله به تهران) مجبوراً او را سوار کشتی کرده و به بادکوبه بردند. در مخابرات استرآباد سند شماره ۱۰ چنین آمده است: «به عرض رفته بود که تفنگ‌های تصرفی و خریداری محمدعلی میرزا در قونسلخانه توقیف است. تصرف تفنگ‌های مزبور سابقه حمل به آشوراده شده بود و مابقی در قونسلخانه بوده تماماً را با عرابه از راه قراسو به روسیه فرستادند.» به‌رحال همان‌گونه که در سراسر ایران مخالفین مشروطه نیروهای ایلاتی را علیه طرفداران مشروطه بسیج می‌کرد. در استرآباد نیز بخشی از ترکمانان با تحریک روس‌ها و مستبدین دربار خان‌های شرق استرآباد نقش مؤثری داشتند. در این میان اهالی گمش تپه چون عموماً **کاسبی تجارخانه** دارند مایل به امنیت و آزادی خواه می‌باشند.

رضاخان در جریان جمهوری خواهی خود ترکمن‌ها را وا داشت تا به تلگراف‌خانه استرآباد بیایند و دولت را تهدید کنند.

سند (نمره) ۱۹۲۴/۱۵ چنین آمده است «تلگرافی حضرات تراکمه طایفه جعفربای به تهران نموده‌اند که ماها جمهوریت می‌خواهیم و از این کار هم دست‌بردار نبوده و نیستم و اگر چنانچه حضرت اشرف آقا سردار سپه هم بخواهد ریاست جمهوری را قبول نمایند حتماً به ایشان داده شود.. در غیر این صورت تهدید به ناامنی می‌کنند.»

رضاشاه بعد از تاج‌گذاری در صدد خلع سلاح ترکمن‌ها و تثبیت قدرت حکومت مرکزی در دشت ترکم صحرا بر آمد و ترکمنان با اتحاد طوایف تصمیم به ایستادگی گرفتند و در صورت پیروزی جمهوری مستقل ترکمان را تأسیس نمایند حتی یک مدرسه نظامی برای کسب فنون جنگی را تشکیل دادند و از افسران ترک دعوت به تدریس در آن را نمودند. ولی در نهایت قدرت برتر قشون رضاشاه که از چهار ستون عملیات خود را شروع کرده بودند و دو دستگی بین ترکمن‌ها، باعث تثبیت حکومت پهلوی در دشت صحرا گردید.

محورهای نوگرایی رضا شاه در ترکمن صحرا :

ترکمن صحرا به دو دلیل برای پهلوی اول دارای اهمیت ویژه ای بود . اول حضور قوم ترکمن که عموماً مسلح بودند و در تعارض با سیاست های عمومی رضا شاه که ضرورت خلع سلاح اقوام و اعمال حاکمیت و قدرت دولت مرکزی بود و دوم همجواری این منطقه با مرز دریایی و هم مرز بودن با شوروی سابق به عنوان یک ابر قدرت جهانی در آن روزگاران ، لذا اصلی ترین اقدامات پهلوی اول در این منطقه علاوه بر اعمال سیاست تجدد خواهانه آن در حوزه های عمرانی ، شهرسازی و بهداشتی که در قالب احداث بلدیه در کشور تجلی یافته بود ، تمرکز در حوزه فرهنگی و اجتماعی با رویکرد ملی گرایی و یکسان سازی و تغییر آداب و سنن و غرنگ بومی مردمان این دیار بوده است .

بر همین اساس اقدامات عصر پهلوی در این منطقه در ۲ قالب اصلی تجلی یافت :

۱- ایجاد زیر ساخت های شهری ، عمرانی و بهداشتی با ره اندازی بلدیه

۲- ساخت و توسعه مدارس جدید با هدف تغییر فرهنگ سنتی مردم

ایجاد زیر ساخت های شهری و عمرانی و بهداشتی و راه اندازی بلدیه :

همزمان با استقرار و شروع بکار بلدیه در سایر شهرهای کشور پهلوی اول از همان آغازین سالهای آغاز به کار نسبت به احداث بلدیه در دو شهر اصلی این منطقه یعنی بندر ترکمن (بندر شاه) و گمیش تپه (گمیشان) اقدام نمود . (بلدیه در بندر شاه و در گمیشان در سال ۱۳۰۹ تاسیس گردید)

با ره اندازی بلدیه ، تدوین و اجرای خیابانهای عریض و عمود بر هم با فرمت خیابانهای چلیپایی نوین ، احداث شهر بازی و مریض خانه ، راه اندازی کارخانه برق و روشنایی معابر ، سنگ فرش کردن خیابانهای اصلی ، ایجاد و توسعه فضای سبز و درختکاری در حاشیه خیابانها انجام گردید . احداث اسکله و بندر و ایجاد راه آهن در این منطقه نیز آن را به یک قطب مهم اقتصادی در آن عصر تبدیل نمود .

با ایجاد زیر ساخت ها و فعالیتهای مذکور چهره شهر نیز به سوی شهرسازی نوین و به تبع آن تغییر رفتار عمومی مردم به دلیل مهاجرت اشخاص از سایر نقاط کشور به این منطقه تحت عنوان کارکنان راه آهن ، گمرک ، شهربانی ، شیلات و و تلفیق خرده فرهنگها با یکدیگر نیز گردید .

ساخت و توسعه مدارس جدید با هدف تغییر فرهنگ سنتی مردم :

آموزش و پرورش در دوره پهلوی اول

روند نوگرایی در تعلیم و تربیت بعد از مشروطه شتاب بیشتری به خود گرفت. در اواخر دوره قاجار و اوایل حکومت پهلوی نوگرایی در عرصه علوم به خصوص ادبیات بیشتر شد. چاپ روزنامه و توسعه مدارس به سبک جدید از ویژگی‌های شاخص این دوران است.

در سال ۱۳۰۰ هـ.ش قانون شورای عالی معارف به تصویب رسید و مقرر شد همه امور فنی مدارس، برنامه، کتب درسی تأسیس مدارس باید به تصویب این شورا برسد در اردیبهشت ۱۳۰۶ هـ.ش قانونی وضع شد که به موجب آن نیم درصد عایدات املاک مزروعی اربابی به میزان ۱/۷ (یک هفتم) املاک مزبور تثبیت شود و به تناسب مالیات هر محل به تأسیس مدارس ابتدائی آن محل اختصاص یابد.

در سال ۱۲۸۹ هـ.ش تعلیمات اجباری برای کودکان ۷ سال به بالا تصویب شد. در سال ۱۳۰۷ قانون اعزام محصل به خارجه تصویب گردید و مقرر شد که ۳۵ درصد به رشته معلمی و بقیه به رشته‌های مهندسی و طب اختصاص یافت در سال ۱۳۱۲ تحصیل در کلیه دبستان‌ها مجانی اعلام شد. در همان سال انجمن ملی تربیت بدنی تأسیس گردید در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان ساعات بیشتری به درس و ورزش اختصاص یافته بود.

در سال ۱۳۱۴ دبستان‌های مختلط تا سن ۱۰ سالگی تأسیس شد تعلیم و تربیت پسر و دختر در کلاس‌های مشترک در قرن هفدهم در اسکاتلند و در مهاجرنشین‌های امریکا موجود بوده است. در ایران نیز با آغاز کشف حجاب رضاشاه شروع شد ولی در سال ۱۳۲۸ این‌گونه دبستان‌ها رسماً تفکیک گردیدند. در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ دانشسرای عالی نیز دانشجوی دختر را پذیرش کرد .

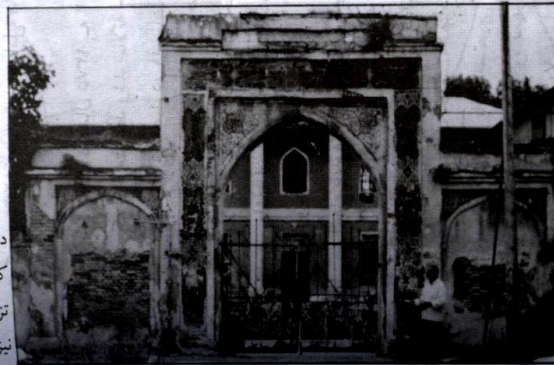
انجمن نسوان نیز در سال ۱۳۰۰ هـ.ش به رهبری محترم اسکندری تشکیل شد. مرامش احقاق حقوق زنان ضمناً تشویق استفاده از منسوجات وطنی و ترک اشیاء تجملی بود. مستوره افشار، نورالهدی منگنه، فخر عادل خلعت بری و ملوک اسکندری و عده‌ای دیگر از زنان روشنفکر عضو آن انجمن شده بودند. این انجمن مدرسه اکابری نسوان را در سال ۱۳۰۵ هـ.ش تأسیس کرد .

با رشد و توسعه مدارس دخترانه مسئولان برای تربیت معلمان نیز اقداماتی انجام دادند. در سال ۱۲۸۳ هـ.ش وزارت فرهنگ (معارف) ۱۰ نفر شاگرد به مدرسه دخترانه فرانکوپراسان که توسط مودب الملک تأسیس و مدیریت می‌شد سپرد تا آن‌ها را برای معلمی تربیت کند این مدرسه بعداً اسعدیه بانوان نامیده شد. در دوره وزارت نصیرالدوله نامش به دارالمعلمت تبدیل گردید و مقرر شد شاگردان علاوه بر تحصیلات مدرسه در مریض‌خانه نسوان عملیات بچه‌داری بیاموزند دوره تحصیل آن بعد از ابتدائی سال بود شاگردان برای تمرین آموزگاری در دبستان ضمیمه دارالمعلمت تدریس می‌کردند سال‌ها بعد نامش به دانشسرای دختران تبدیل گردید .



بندر ترکمن، هنرستان شاپور

که به سال ۱۳۱۳ خورشیدی احداث و مورد بهره برداری قرار گرفت. این مکان آموزشی بعدها دبیرستان هدایت و در سال ۱۳۵۸ بنام (دبیرستان مختومقلی) نامیده شد. هم اکنون پس از تعمیر و ترمیم و بعنوان اداره آموزش و پرورش شهرستان بندر ترکمن مورد بهره برداری مجدد قرار گرفته است.



در و سر در ورودی هنرستان شاپور که با کاشی های رنگارنگ (بویژه لاجوردی) تزئین شده است. طاق نماهای دو طرف در نیز به فرم زیبایی کاشی کاری شده اند.

مکتب خانه های بندر ترکمن

از آنجا که شهر بندر ترکمن از شهرهای جدیدالتأسیس می باشد یعنی در دوره رضاشاه پهلوی با احداث راه آهن و اسکله شکل گرفت. از نظر تشکیل مکتب خانه نیز سابقه طولانی مثل گمیش تپه ندارد. با این وجود برخی از روستاهای نزدیک آن قدمت تأسیس مدارس دینی بیشتر از خود شهر است. یک نمونه آن در روستای پنج پیکر یکی از روحانیون تحصیل کرده بخارا به نام خوجه گلدی قاری مدرسه دینی سه اتاقه بر پا کرده است که شاگردان زیادی در آنجا به تحصیل پرداختند البته عمده فعالیت آن در زمینه قرائت و حفظ قرآن کریم یعنی تربیت قاریان قرآن بوده است از شاگردان معروف آن بایرام قاری که حدود ۷۰ سال پیش کل قرآن را حفظ کرده است. در دهه ۲۰ خورشیدی در روستای سیجوال مکتب خانه ای توسط «ملا بایرام قره جه» در یک آلاچیق دایر گردیده کودکان آن روستا را آموزش و تعلیم می داده است.

همچنین در روستای قره تپه نیز در سال ۱۳۲۱ توسط خان قلیچ آخوند مکتب خانه ای دایر می شود. چند سال پیش توسط فرزند وی به نام جبار آخوند احیا و به حوزه علمیه تبدیل گردیده است .

در حوزه شهر بندر ترکمن در چندین نقطه آن مکتب‌خانه‌هایی دایر گردیده است. یکی از آن‌ها توسط حاجی محمد قاری آسوده که قدیمی‌ترین مسجد شهر را نیز تأسیس کرده است. در خود مسجد مکتب‌خانه‌ای دایر کرده است. به‌خصوص در تابستان‌ها دانش‌آموزان و بچه‌های محل برای آموزش قرآن و احکام نماز به آن مکتب‌خانه می‌آمدند. مکتب‌خانه دیگری در قسمت حاشیه جنوبی کارخانه آرد قره جه امروزی توسط رحیم آخوند عزیزی برپا گردید و در توسط آی محمد آخوند نیز در محله دبستان فارابی سابق کلاس‌هایی برای آموزش مقدمات علوم دینی تشکیل شده است.

در انتهای خیابان ژاندارمری سابق مهدی آخوند صاحب‌دل در کنار مسجد حجره چندین اتاق برای تعلیم و تربیت دینی کودکان و جوانان تأسیس کرد. تعداد زیادی در آنجا تحصیل می‌کردند. ولی بعد از فوت ایشان آن مکتب‌خانه به حالت تعطیلی در آمد. فقط در تابستان‌ها برای آموزش قرآن و احکام نماز کلاس‌هایی توسط برخی از طلبه‌ها برگزار می‌شده است در حاشیه شمالی شهر نیز مکتب‌خانه‌ای دو اتاقه توسط قربان آخوند کر تشکیل گردید. تعداد شاگرد مشغول تحصیل بوده آن نیز بعد از فوت وی تعطیل شده است.

اهداف و اقدامات رضاشاه پهلوی برای ساخت مدارس در بین ترکمن‌ها

برای ایجاد تحولی عمیق در یک جامعه، مناسب‌ترین راه از راه فرهنگ و ایجاد تحول در باورها، آداب و رسوم و شیوه معیشت آن جامعه می‌باشد تا بدین‌وسیله زمینه پذیرش اختیاری تحول در آن جامعه فراهم آید و از برخوردها و موضع‌گیری‌ها متقابل پرهیز شود این یک اصل بدیهی است اما سیاست‌های رضاشاه در عشایر چه در قالب سرکوب مستقیم و چه در قالب اسکان و تخته قاپور و چه در قالب خلع سلاح، همگی با اعتقادات، ضرورت‌های زندگی و غرور ملی مردم عشایر تباین و تضاد آشکار داشت. البته براساس اسناد و گزارشات سفر خود رضاشاه چنین استنباط می‌شود که یکی از اهداف اصلی او از تأسیس مدارس توسعه شهرنشینی و تضعیف و مهار قدرت رزمی عشایر بوده است هدف اساسی رضاشاه ایجاد و جامعه شبه‌غربی و غیردینی بود لذا برای انجام آن تلاش کرد جامعه چند قومی را به دولتی واحد با یک زبان و فرهنگ تبدیل کند برای تحقیق چنین امری به گسترش مدارس عمومی و تعطیل شدن مدارس و انتشاراتی غیرفارسی به‌خصوص ترک‌زبان پرداخت نتیجه آن باعث کاهش شمار باسوادان غیرفارسی شد. در اینجا برای درک بهتر اهداف و اقدامات رضاشاه در منطقه ترکمن صحرا به‌خصوص شهرستان بندر ترکمن، گزارش سفرنامه اوجه مازندران نقل می‌شود او پس از تثبیت قدرت خود در منطقه ترکمن صحرا، خود شخصاً قدم به میان اوبه‌های (روستاها) ترکمن‌نشین از جمله گمش تپه گذاشت که خاطرات خود را در سفرنامه‌اش بیان کرده است قسمت‌های از آن را نقل می‌کنیم. که بیانگر اهداف رضاشاه از تأسیس و توسعه مدارس در مناطق ترکمن صحرا می‌باشد. «حالا هم قصد من از رفتن به صحرای ترکمن معاینه مدارس آنجاست نه چیز دیگر، می‌خواهم با چشم خود ببینم این قبایلی که در طی قرون بی‌شمار آواره صحرا بوده‌اند و بیابان‌گردی شعارشان بوده است، امروز در پشت میزهای رنگین

نشسته‌اند و دارند اصول تاریخ و جغرافیا را حفظ می‌کنند و آن‌ها را در بدر به‌دنبال آب آبادانی در سیر و سفر بودند امروز در بحبوحه مزارع شاداب خود آرمیده‌اند. اشرار و یاغیان مخدول و منکوب شدند و باید هم بشوند. اصول چادرنشینی و صحرانوردی و خانه‌به‌دوشی باید وداع ابدی به ایران بگویند این قبایل بلااستثناء چه بخواهند و چه نخواهند، محکوم و مجبورند که آستانه مدرسه را ببوسند و از درب خروج مدرسه، وارد صحنه عمل و زندگانی شوند. منطقه گمش تپه مخلوطی از آلاچیق و عمارات دو طبق چوبی است که با سلیقه ساخته شده و از دور منظره دهکده اروپائی به آن می‌دهد خیابانی شوسه از وسط می‌گذرد که دیوار چوبی آن را از خانه‌های **جزی** می‌سازد و رنگ‌هایی که به چوب بسته خانه‌ها و دیوار و اتاق‌ها و سقف عمارات زده‌اند، بیشتر بر جلوه این قصبه می‌افزاید خانه آشور خزین را که از معاریف گمش تپه است، برای قرارگاه من تخصیص داده بودند همراهان در عمارات اطراف منزل نمودند طرز و ترتیب **اثاثیه اطاق‌ها ظریف و تاز** بود قالی‌های ترکمانی با میل‌های مد روسیه مخلوط گشته و تصاویر و پرده‌هایی به دیوارها آویخته بودند چیزی که بیشتر سلیقه صاحب‌خانه را تأیید می‌کرد این بود که حمام را هم ضمیمه عمارت کرده بود، و فراموش نکرده بود شست‌وشو و نظافت شرط اول زندگانی بشری است.

هفت ماه قبل، بنا بر امری که به رئیس تیپ مستقل شمال دادم، در مراکز مهمه جعفریای سه باب مدرسه با طرز جدید افتتاح شد مدرسه گمش تپه را به اسم من پهلوی نام نهاده‌اند هفت ماه است که رسماً مفتوح شده و برخلاف توهم مباشرین این امر که افراد ترکمان را گریزان از تحصیل می‌پنداشتند، به‌زودی اهالی گمش تپه اولاد خود را به این مؤسسه سپردند و امروز در محلی به این کوچکی یکصدوده نفر شاگرد در چهار کلاس این مدرسه مشغول تحصیل شده‌اند. اقبال ترکمانان به این مدرسه جدید و شور و شوق اطفال به تحصیل و استعداد فوق‌العاده آن‌ها در ورزش‌های دماغی و بدنی خیلی اسباب امیدواری شد امر کردم تمام همراهان به مدرسه رفته و وضع آن‌را مشاهده نمایند اطفال پس از **قرائت خطا به مشتق‌های** بدنی و خواندن سرود مبادرت کرده در اغلب دروس و مخصوصاً در قسمت ورزش به حدی چابکی و شوق و مهارت نشان دادند که از چنین مدرسه جدیدالتأسیسی انتظار نمی‌رفت، معلم ورزش آن‌ها شخصی است از اهل قفقاز که در امور ورزش بی‌اطلاع نیست سایر دروس شاگردها هم پیشرفت خوبی کرده است.

این مدارس به‌منزله چراغ تمدن است در صحرای تاریک ترکمان، و با جدیتی که نظامیان ساخلوی این صفحه (مطابق دستور) در تقویت مدارس دارند و میل و شوقی هم که خود اهالی ابراز می‌کنند اطمینان دارد که پس از مدتی به‌کلی اوضاع این صفحه تبدیل رنگ به خود خواهد گرفت همین اطفال که به‌ترتیب ملی و علوم جدید و لذت‌مدنیت آشنا شوند، بهترین مبلغین امنیت اخلاقی و آرامش روحی کسان و بستگان خود خواهند بود به احترام مدرسه و تربیت محصلین خطابه‌های زیادی برای من خواندند .

صحرائی که عبور کاروان‌ها و قوافل از آن ممتنع بود، امروز دارد تبدیل به مدرسه و محل مطالعه تاریخ و جغرافی می‌شود پروگرام مدارس اینجا، با تناسب محل و وضعیت‌ها اهالی بد طرح نشده، و باید به‌تدریج پروگرام جامع‌تری و در دسترس محصلین و اهالی گذارد شود سپردم که به وزارت معارف تذکره لازم را بدهند .

گمش تپه را به دقت معاینه کرده و اوامری که لازم بود به مأمورین مربوطه داده بعد از صرف نهار دوباره به خواجه نفس برگشتیم شاگردان مدرسه زاهدی که تازه تأسیس شده به استقبال آمده بودند آن‌ها پنجاه نفر است. در امجلی چهار مسجد و یک مدرسه است که از مستحدثات قشون است، پنجاه و دو شاگرد دارد و به نام سرهنگ حکیمی صاحب منصب قشون این قسمت مدرسه حکیمی نام دارد. جدیداً اهالی وجهی توزیع کرده و بنای خوبی برای مدرسه ساخته‌اند»

چگونگی توسعه مدارس در دوره پهلوی اول

همان‌گونه که بیان شد نخستین مدارس در دوره رضاشاه در سه نقطه ترکمن صحرا یعنی در سال ۱۳۰۴ گمیش تپه، خواجه نفس و امجلی تأسیس شد. و در سال ۱۳۰۵ در روستای آرخ بزرگ از توابعه گمیشان با حمایت دهیارهایی که وزارت کشور برای امر توسعه به روستاها فرستاده می‌شد. و برای اهالی در توسعه فرهنگی نیز کمک کرد. احداق گردید و سپس در روستای پنج پیکر در سال ۱۳۰۷ یک باب مدرسه ساخته شد. «اداره معارف گرگان و دشت» که در سال ۱۳۰۰ تشکیل شده بود این گونه مدارس را با همکاری قشون نظامی اداره می‌کرد.

در شهر بندر ترکمن نخستین مدرسه به نام هنرستان شاپور در سال ۱۳۱۳ ساخته شد و در کنار آن یک مدرسه ابتدایی نیز به وجود آمد باز در این دو باب مدرسه دیگری یکی در بندر قره سو و دیگری در آشوراده توسط اداره شیلات تأسیس گردیده است البته در اواخر دوره رضاشاه در بعضی از روستاهای دیگر نیز مدارس دایر گردید ولی تداوم پیدا نکرده است. نمونه آن در روستای سیجوال در سال ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ در منازل اشخاصی که اتاق اضافی داشتند یا این که منازلی که صاحبانشان به دنبال گوسفند به مراتع کوچ کی کردند کلاس‌های برگزار می‌شد.

در واقع بعضی مواقع معلم مجبور بود در خانه یکی از اهالی روستا شاگردان را جمع و کلاس را دایر نماید. هم‌زمان با این کلاس‌ها توسط همان معلم کلاس شبانه اکابر نیز برای بزرگسالان برگزار می‌شد. معلم با خانواده‌اش در روستا زندگی می‌کرد. ولی این نوع مدرسه به علت نداشتن ساختمان مشخص دچار مشکل شده و منحل گردید و ورود قوای روس‌ها نیز در جنگ جهانی دوم مزید علت شده است.

در طرح تعلیمات عشایری برای تأمین نیروی آموزش مورد نیاز طرح تأسیس دانشسراهای عشایری پیش‌بینی شده بود و تا پایان سال ۱۳۳۵-۳۶، ۸ باب دانشسرا تأسیس گردید که یکی از آن‌ها در گنبد کاووس برای عشایر ترکمن بود ۸۶ نفر پذیرش کرد.



تصویر ۵-۳-



دبستان دکتر شریعتی (دبستان انصاری سابق) بندر ترکمن که در سال ۱۳۳۵ در محوطه راه آهن احداث گردید. در حال حاضر به علت فرسودگی بلااستفاده شده است.

آموزش دختران و دوره رویکرد متضاد در تغییرات اجتماعی دوره پهلوی اول

شکل‌گیری آموزش نوین به خصوص آموزش و تأسیس مدارس دختران از مسائل قابل توجه تاریخ معاصر ایران می‌باشد و هنگام به قدرت رسیدن رضاشاه نظام آموزشی ایران در دست بخش خصوصی بود و رضاشاه در راستای هدف تشکیل ایران نوین به آموزش و پرورش به خصوص تأسیس مدارس دختران توجهی ویژه نشان داده و نهاد آموزش ایران را وارد مرحله‌ی تازه‌ای نمود. «حکومت رضاشاه اگرچه علاقه‌ی اصلی‌اش به تحصیلات عالی بود اما اولین رژیم بود که به تحصیلات ابتدایی و مشکلات مربوط به توده‌ی بی‌سواد توجهی ویژه نشان داد.» و امکانات قابل توجهی برای بهبود وضعیت زنان و افزایش مدارس ابتدایی دختران ایجاد کرد. چنان‌که در سال ۱۳۰۲ شمار این مدارس به ۱۴ یا ۱۵ باب رسید و سه سال بعد این مدارس به ۲۰۳ باب افزایش یافت، این روند موجب تهیه پیش‌نویس طرح مربوط به سوادآموزی زنان در سال ۱۳۰۸ گردید. تلاش‌های به‌عمل آمده باعث حضور رو به رشد دختران در مدارس شد به طوری که آمار فارغ‌التحصیلان دختر از ۱۲۰ نفر در مقابل ۴۷۵ پسر در سال تحصیلی ۱۳۰۴-۵ به ۱۳۱۶ دختر در برابر

برابر ۳۷۱۳ پسر در سال تحصیلی ۱۰-۱۳۰۹ رسید. به طور کلی در سال ۱۳۱۱ حدود یک سوم دانش آموزان مدارس تهران را دختران تشکیل می دادند و این آمار در شهرهای دیگر نیز روند رو به رشدی داشته است.

حضور روس ها در بندر ترکمن :

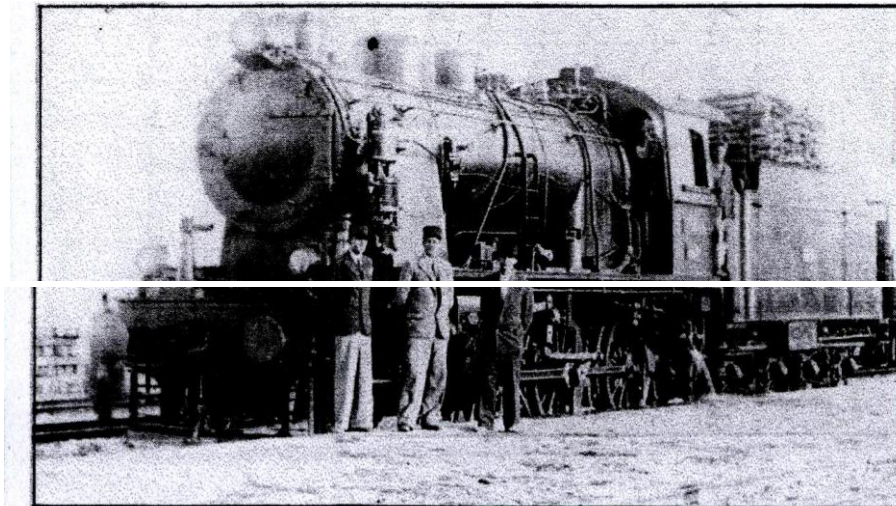
عملیات نظامی شوروی علیه ایران در شهریور ۱۳۲۰ در جنگ جهانی دوم از سه ستون آغاز شد. یکی از طریق بندر ترکمن (بندر شاه سابق) وارد خاک ایران شد و گرگان و خراسان شمالی را تصرف کرد.

روس ها در بندر ترکمن مستقر شدند محدوده ای را از خیابان اسکله به طرف شمال تا نزدیکی کشتارگاه که در آن یک فضای خالی از سکنه بود با سیم خاردار قرق کردند. و برای نگهداری تجهیزات جنگی آن محدوده را سنگ فرش می کنند. بعدها در نزد ترکمن ها به **داشلی ابه** (روستای سنگی) موسوم شده بود.

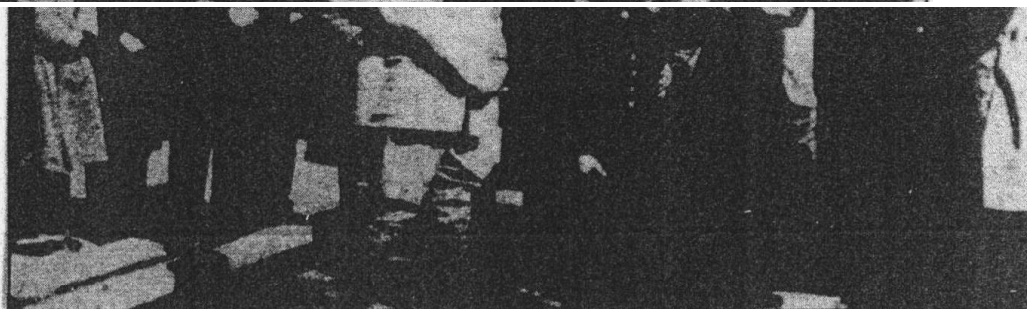
در این محدوده ای که ذکر شد، اقلام و مهمات که در طرف هم پیمانان شوروی از طریق راه آهن ارسال می شد. نگهداری و سپس از طریق دریا یا این که از راه خشکی به شوروی حمل می گردید.

مقدار کالاهای که از طریق راه آهن به شوروی حمل گردیده ۲۸۳۱۹۳۷ تن می باشد. حضور روس ها و استفاده آن ها از خطوط آبی و آهن و شوسه لزوم بارگیری و تخلیه بارها مستلزم نیروی انسانی فراوان بود. این امر باعث مهاجرت عده زیادی از ساکنان روستاهای منطقه به این شهر شد.

غیر از کالاها و مهمات، نیروی انسانی نیز با حمایت شوروی به خاک ایران وارد و خارج می شدند چون اختیارات شهر تحت کنترل شوروی بود این امر باعث اعتراض و نارضایتی مسئولین گمرک بندر ترکمن شده بود. طی نامه ای به اداره گمرک (کشور) به سال ۱۳۲۴ می نویسد «از شهریور ماه ۱۳۲۰ تاکنون همیشه معروض داشته است که بندر شاه و باراندازها و محل های گمرک از ید اختیار گمرک خارج گردیده است. در ظاهر امر چنانچه مشاهده گردیده است به طور دائم ورود و خروج سربازان شوروی از بندر شاه ادامه دارد».



بندر ترکمن. اولین قطار سراسری (تیرماه ۱۳۱۶) به ایستگاه راه آهن آمده است



نصویر ۵-۱-

بازدید رضاشاه از در افتتاح ایستگاه راه آهن بندرشاه در آبان و آذر ۱۳۰۸ خورشیدی

نتیجه گیری :

نوسازی دوره‌ی رضاشاه اگرچه از بالا به پائین و تابع اولویت‌های سیاسی بود اما باید به خواست و واکنش مردم در تسریع روند گسترش آن به‌خصوص در عرصه آموزش توجه کرد. این امر را نباید صرفاً دولتی و یا مستبدانه دانست با بررسی اسنادی که از مجموعه‌ی عرایض دوره‌ی پهلوی اول انتخاب شده است می‌توان این فرض را اثبات نمود. این اسناد از سوی مردم شهرهای مختلف ایران به مجلس شورای ملی فرستاده شده و درخواست تأسیس و یا عدم تأسیس مدرسه دخترانه را در شهر خود نموده‌اند و اطلاعات شایان توجهی را پیرامون واکنش مردم به نحوه‌ی تأسیس مدرسه دختران همچون واکنش دولت به خواست مردم به‌دست می‌دهد.

مدرن‌سازی بهداشتی - درمانی، نیز اقدامی در راستای بالا بردن سطح بهداشت مردم استان‌های مختلف کشور از جمله ترکمن صحرا بود و با رشد تدریجی آگاهی فکری، تقاضا برای تأمین امکانات لازم به‌منظور حفظ ارزنده‌ترین دارایی انسان یعنی سلامتی افزایش پیدا کرد. دانشجویانی که از رشته پزشکی و رشته‌های وابسته به آن فارغ‌التحصیل شده بودند، در راستای نوسازی بهداشتی به‌کار گرفته شده بودند، اما تعدادشان برای مناطق پرجمعیت از جمله ترکمن صحرا که اهالی آن با انواع بیماری‌ها درگیر بودند، کافی نبود.

نوسازی دوره‌ی رضاشاه اگرچه از بالا به پائین و تابع اولویت‌های سیاسی بود اما باید به خواست و واکنش مردم در تسریع روند گسترش آن به‌خصوص در عرصه آموزش توجه کرد. این امر را نباید صرفاً دولتی و یا مستبدانه دانست با بررسی اسنادی که از مجموعه‌ی عرایض دوره‌ی پهلوی اول انتخاب شده است می‌توان این فرض را اثبات نمود. این اسناد از سوی مردم شهرهای مختلف ایران به مجلس شورای ملی فرستاده شده و درخواست تأسیس و یا عدم تأسیس مدرسه دخترانه را در شهر خود نموده‌اند و اطلاعات شایان توجهی را پیرامون واکنش مردم به نحوه‌ی تأسیس مدرسه دختران همچون واکنش دولت به خواست مردم به‌دست می‌دهد.

با قدرت‌گیری رضاشاه برنامه مدرن‌سازی کشور همراه با پی‌ریزی دولتی مقتدر براساس آرمانهای ملی‌گرایانه در دستور کار حکومت قرار گرفت، بخش عمده‌ای از این برنامه‌ها و طرحها موردنظر صاحب‌نظران و روشنفکران صدر مشروطیت بود، از آن جمله بیانیه حزب دموکرات ایران به رهبری سیدحسن تقی زاده، در اوان جنبش مشروطیت را می‌توان ذکر نمود، در این بیانیه مطالبات ترقی خواهانه از آن جمله تأسیس مدارس نوین به شیوه غربی جهت تحصیل علوم جدید برای دختران و پسران، تأسیس دانشگاه، و بازبینی قوانین جاری کشور، اعلام زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی و سعی در گسترش فراگیری آن در سراسر کشور، تضعیف قدرت سران عشایر و جلوگیری از دخالت‌های غیرمدنی ایشان در امور سیاسی کشور و جز این‌ها. اما به‌دلیل ضعف عمومی بنیه اقتصادی کشور، فقدان حکومت مرکزی مقتدر، آشوب و هرج و مرج در نقاط مختلف، دخالت دول استعماری، جنگ جهانی اول و قحطی و فلاکت ناشی از آن، امکان عملی ساختن این دست برنامه‌ها وجود نداشت.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- ۱- آبراهامیان، یرواند، ۱۳۸۱، ایران بین دو انقلاب از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه: فیروزمند، کاظم، شمس‌آوری، حسن و مدیرشانه چی، محسن، تهران، نشر مرکز.
- ۲- ستوده، م؛ ذبیحی، م. ا، ۱۳۵۴، از آستارا تا استرآباد شامل اسناد تاریخی گرگان، جلد ۶. تهران، تالیف انجمن آثار ملی.
- ۳- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی، ۱۳۶۷، مرات البدان؛ به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴- آنا مراد نژاد، رحیم بردی، ۱۳۸۷، نگرش جغرافیایی به بندرترکمن، انتشارات فراغی، گرگان
- ۵- سید قطبی، سید مهدی، ۱۳۹۷، سفرنامه ترکمن صحرا، گرگان و مازندران، انتشارات فراغی، گرگان
- ۶- حائری مازندرانی، محمدرضا، ۱۳۷۸، نقش فضا در معماری ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۷- محمدی سیف، معصومه، ۱۴۰۰، مونوگرافی قوم ترکمن، انتشارات اندیشه احسان، تهران
- ۸- سارلی، اراز محمد، ۱۴۰۰، مدارس دینی اهل سنت ترکمن صحرا، فراغی، گرگان
- ۹- دهقان نژاد، مرتضی، ۱۳۹۰، از پاتسی تا بلدیة، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سالگرد تأسیس شهرداری، به کوشش محمد علی چلونگر، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۱۰- رجایی، عبدالمهدی، ۱۳۸۳، تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان از نگاه روزنامه‌ی فرهنگ اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- ۱۱- معطوفی، ۱۰۱، ۱۳۷۴، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ، مشهد، درخشش
- ۱۲- رواندی، مرتضی، ۱۳۸۳، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه.
- ۱۳- سلطان زاده، حسین، ۱۳۶۵، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، آبی.
- ۱۴- اشراقی، فیروز، ۱۳۷۸، اصفهان از دید سیاحان خارجی، اصفهان، آتوپات.
- ۱۵- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور: استان گلستان، شهرستان گرگان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۶- کاظمیان، غلامرضا؛ سعیدی رضوانی، نوید، ۱۳۸۳، امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
- ۱۷- کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۵، نظری اجمالی بر شهرنشینی و شهرسازی در ایران، تهران، انتشارات سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۸- کیانی، مصطفی، ۱۳۸۳، معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۲۹۹-۱۳۲۰، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۱۹- کروتین، استفانی، ۱۳۸۳، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، جامی.
- ۲۰- عبادی، موسی، ۱۳۸۷، شهرداری عصر ناصری تا دولت خاتمی، بی جا، نشر خرم.

- ۲۱- عطاری کرمانی، عباس، ۱۳۸۶، تاریخ شهرهای ایران، تهران، الیسم.
- ۲۲- صدیق، عیسی، ۱۹۲۳، ایران نوین، تهران، نشر خرم.
- ۲۳- محبوبی اردکانی، حسین، ۱۳۷۰، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۴- معتمدی، محسن، ۱۳۸۵، جغرافیای تاریخی تهران، تهران، نشر دانشگاهی.
- ۲۵- مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸، مجلس شورای ملی، تهران.
- ۲۶- مهندسین مشاور طرح و معماری، ۱۳۷۴، طرح جامع شهر گرگان - مرحله اول. گرگان، اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان.
- ۲۷- نیامی، علی، ۱۳۴۹، مدیریت شهری، شهرداری در ایران، تهران، بازرگانی.
- ۲۸- نیما یوشیج، ۱۳۷۹، دو سفرنامه، به اهتمام علی میر انصاری، تهران، سازمان اسناد ملی، پژوهشکده اسناد.
- ۲۹- نوری، مصطفی، ۱۳۸۹، اسناد مازندران در دوره رضا شاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ص ۴۹، سند ۲/۱.
- ۳۰- اسناد آرشیو شهرداریهای بندرتکرمن و گمیشان.

Abstract :

Turkmen Sahra is a region in the west of Golestan province, which is located on the southeast coast of the Caspian Sea and in a wide plain called Gorgan Plain, adjacent to the Gamishan wetland. Turkmen Sahara currently includes 2 cities named Bandar Turkmen and Gamishan.

The previous name of Bandar Turkmen was Bandar Shah, which was removed from the Gorgan subdivision in 1358 in terms of political divisions and became an independent city with the same name, and Gomishan, with the center of Gomish Tepe, is located in the north of this desert.

Reza Shah's policies of modernization and modernization and as a result objectification of municipal law in Turkmen Sahara like other regions of the country along with the establishment and construction of ports and railways and the many traffics resulting from it, in addition to changing the appearance in the field of urban planning and creating It also established deep social infrastructures, changes and transformations and caused visible changes in the cultural and traditional structure of the people of this land, which included the discussion of converting old schools into new schools and changing the way of education. In this article, the modernist actions of the first Pahlavi and the goals of Reza Shah from these actions, the main of which was changing the traditional culture and restricting the Turkmen people, are analyzed.

Key words: modernism - first Pahlavi - Sahara Turkmen - municipality - culture